

## نقش فرهنگ صلح و متغیرهای مربوط به آزمودنی (زمینه‌ای) بر خشونت خانگی در میان خانواده‌های دانشجویان تهرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

حسن امیدوار\*

خلیل میرزایی\*\*، عالیه شکرپیگی\*\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی «نقش فرهنگ صلح بر میزان خشونت خانگی در میان خانواده‌های شهر تهران (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی رودهن) است. روش پژوهش، به لحاظ هدف یا نوع پژوهش از نوع توسعه‌ای و کاربردی، از لحاظ مسیر توصیفی و از نوع پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان تهرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بوده که از میان آنها ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته استفاده شد، که کیفیت آن از طریق CVR برای سنجش یا میانگین ۰/۷۳۷ و پایایی ۰/۹۳۹ برای سنجش و پایایی با میانگین تایید گردید. برای تجزیه و تحلیل از نرم افزارهای آماری Lisrel استفاده شد. نتایج به دست آمده حاکی از این بود که: نوع ازدواج، تحصیلات پدر و مادر و شغل مادر بر میزان خشونت اثر معنا دار نداشت. اثر وابستگی پدر یا مادر به مشروبات الکلی و مواد مخدر، شغل پدر و قومیت پدر و مادر، طول مدت ازدواج، سن پدر و مادر بر میزان خشونت معنا دار بود. بین فرهنگ صلح و مولفه‌های فرهنگ صلح و مولفه‌های آن با خشونت خانگی رابطه‌ی منفی و معنا دار وجود داشت.

\* دکترای جامعه‌شناسی، استاد مدعو گروه‌های اجتماعی، واحد تهران مرکزی، arash1960@gmail.com

\*\* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن (نویسنده مسئول)،

Mirzaeei\_khalil@riau.ac

\*\*\* استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ashekarbeugister@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۳۰

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ صلح، برساخت، خشونت، خشونت خانگی، خانواده.

## ۱. مقدمه

پرهیز از جنگ و خشونت و دستیابی به صلح و آرامش در میان و بین گروه‌های انسانی همواره یکی از دغدغه‌های مهم بشر بوده است. تجربیات تلخ آسیب‌ها و آمارهای رو به افزایش خشونت و خشونت خانگی در طول تاریخ حیات اجتماعی بشر، توجه مصلحان و پژوهشگران امور اجتماعی را جهت تقویت زمینه‌های حفظ صلح و آرامش در جامعه و بنیان خانواده، پیوسته جلب نموده است. ضمن توجه به این امر که پدیده‌ی خشونت و کاربرد زور، تاریخچه و الگوهای اجتماعی خودش را دارد. اما یافته‌های نوین مطالعات مردم‌شناختی نیز موید آن است که خشونت و کاربرد آن در جوامع، به سازمان اجتماعی و یادگیری اجتماعی مرتبط است. با این حال، در نهایت باید بپذیریم که خشونت پدیده‌ای است که جامعه به شیوه‌ای پیچیده بوجود می‌آورد، و آن نتیجه‌ی اعمال و یادگیری‌های گوناگون اجتماعی است که فرد می‌آموزد، از این رو معانی اجتماعی، هنجارها، نهادها و تضادها در آن دخالت دارند.

بنابراین، اگر ما به دنبال صلح و آرامش در جامعه و خانواده‌ی خود هستیم، ابتدا باید به دنبال فرهنگ آن باشیم، یعنی ابتدا باید به دنبال برساخت، و نهادینه کردن فرهنگ صلح و مولفه‌های فرهنگ صلح در جامعه باشیم؛ به سخنی، ما به صلح دست پیدا نخواهیم کرد مگر تحول فرهنگی بنیادینی در جامعه به وجود آید. جامعه‌شناسی نیز از جمله علومی به شمار می‌رود که مبتنی بر نوعی تعهد برای بهبود زندگی اجتماعی است. لستر وارد (۱۸۸۳) در کتاب جامعه‌شناسی پویا، جامعه‌شناسان را به هدایت ترقی اجتماعی از طریق کنش اجتماعی هوشمندانه دعوت کرد. لستر وارد و اسمال معتقد بودند که تنها علوم اجتماعی می‌تواند انسان را با اوضاع جامعه‌ی جدید همساز کرده و تحولات منظمی را ایجاد کند. ایده‌ی فرهنگ صلح به عنوان یکی از رویکردهای مروج صلح و مخالف سرسخت خشونت موارد قابل توجهی از مولفه‌هایی را شامل می‌شود که به استقرار و استمرار صلح در سطح جهان و همچنین در جامعه و نهاد خانواده کمک می‌کند.

برساختگرایی یا برساخت اجتماعی واقعیت، نظریه‌ای است که در برگرفته‌ی اصولی است که مطالعه و کاربرد آن‌ها در موفقیت و کارآمدی مطالعات صلح و نفی خشونت، نقش انکار ناپذیری خواهد داشت. لذا هم‌جهتی فرهنگ صلح با برساختگرایی در بازنمایی و نقد

این نکته است که کاربرد خشونت یک پدیده‌ی فطری و طبیعی نیست، بلکه یک برساخته‌ی فرهنگی و اجتماعی است. از این رو، اگر خشونت یک برساخته و ابداعی اجتماعی و فرهنگی از سوی انسان‌ها برای کسب منابع کمیاب است، پس می‌توان با باز تعریف دوباره و حذف عناصر مخرب و منفی این ابداع فرهنگی و اجتماعی (کاربرد خشونت) با تغییر و جابجایی، مولفه‌های فرهنگ صلح را به جای خشونت و جنگ جایگزین نموده و به تحولی فرهنگی دست یافت. محقق در این پژوهش بر آن است که نشان دهد کنشگران می‌توانند با بساخت مولفه‌های فرهنگ صلح، در مواجهه با شرایط تنش‌زا بجای تفکر استفاده و کاربرد خشونت، مکانیزم‌های جانشین یا بدیل مولفه‌های فرهنگ صلح را همچون تساهل و مدارا، تحمل، درک و فهم متقابل، دگر پذیری، احترام به حقوق همگان، گفتگو و مذاکره و توانایی حل منازعات و... را به عنوان رویکردی نوین برای نفی و کاهش خشونت و خشونت خانگی پیش روی خود در جامعه و خانواده قرار دهند. بنابراین، این پژوهش بر آن است که نقش فرهنگ صلح و مولفه‌های مربوط به آزمودنی‌ها را بر خشونت خانگی کشف و بازنمود نماید و آن را به عنوان راهکاری عملی برای نفع خشونت و آسیب‌های ناشی از آن پیشنهاد نماید.

## ۲. بیان مسئله

مبارزه با اشکال مختلف خشونت طلبی، توسل به زور و آسیب رسانی به دیگران از جمله دغدغه‌های اساسی جوامع در عصر کنونی است. مطالعه در ریشه‌ها، شیوه‌ها و در پیامدهای آسیب‌های اجتماعی از عرصه‌های تحقیق جامعه‌شناختی است، و با توجه به اینکه پدیده‌ی خشونت‌های خانگی به عنوان تهدیدی بالفعل و بالقوه برای بقاء و استحکام نهاد خانواده و جامعه خطر آفرین و بحران‌زا می‌باشد توجه به آن نه تنها ضروری، بلکه بسیار مهم و حیاتی نیز هست. اگر چه گفته می‌شود خشونت خانگی در میان خانواده‌ها رخ می‌دهد، اما به صورت مستقیم و غیرمستقیم زندگی آحاد مردم و نهادهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خشونت خانگی در عین خانگی بودن، امر خصوصی نیست بلکه امری عمومی است، لذا خشونت و پدیده خشونت خانگی بیش از آنچه به نهاد خانواده آسیب برساند هزینه‌ی اجتماعی در بر خواهد داشت. از این رو، انگیزه‌ی پژوهشگر، تلاش و فهم آن است که در شرایط کنونی کشور جامعه و محیط خانواده‌ها به جهت فشارهای اقتصادی، فضای بسته‌ی سیاسی و کاهش اعتماد اجتماعی به جهت اختلاس‌ها و فساد ساختاری گسترده و

رانت خواری و غیره به شدت تهدید می‌شود، سرمایه اجتماعی تا حد قابل توجهی کاهش یافته است، از طرفی رونق فرهنگ خشونت توأم با عناصر مخرب و غیر سازنده و استفاده از خشونت برای حل مسائل و منازعات (بعلت عدم کارایی مطلوب قوه قضاییه)، به همراه رشد آسیب‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی مثل فقر گسترده، اعتیاد، بیکاری، بزهکاری و طلاق آستانه تحمل مردم (کنشگران اجتماعی)، بشدت کاهش یافته است. از این رو، ما در جامعه شاهد افزایش و تکثر بروز درگیری‌ها و افزایش رشد پر خاشگرگی، خشونت و خشونت خانگی در میان خانواده‌ها در شهر تهران می‌باشیم، که به نظر می‌رسد آمار شیوع گسترده خشونت‌های خانگی و میزان بالای آن، میانگین ۶۶ درصد تجربه خشونت‌های خانگی در طول زندگی زناشویی در ۲۸ استان ایران و ۷۰/۱ درصد میانگین خشونت خانگی در شهر تهران (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۶۲) این مساله را تایید می‌نماید.

بنابراین، با توجه به مقایسه‌ی آن با بالاترین درصد تجربه‌ی خشونت‌های خانگی در مطالعات خارجی که ۵۴ درصد و متعلق به اتیوپی است (فتحی، ۱۳۷۸)، و کمترین درصد تجربه‌ی خشونت‌های خانگی متعلق به ژاپن با ۶ درصد، این آمار به صراحت نشان می‌دهد، که در شرایط و وضعیت نا مطلوب و نگران کننده‌ای می‌باشیم. از این رو، مطالعه پیرامون شناخت خشونت خانگی و ابعاد آن و آشنایی با رویکردهایی همچون فرهنگ صلح بعنوان راهکاری فرهنگی جهت نفی یا کاهش خشونت، مفید و ضروری است. بدین جهت، نیاز است که مطالعه شود که آیا اشاعه‌ی فرهنگ صلح و مولفه‌های آن (تساهل و مدارا، تحمل دیگری، عدم سوءظن، درک و فهم متقابل، احترام به حقوق همگان، گفتگو و مذاکره و توانایی حل مسائل و منازعات و ...) چه نقشی بر میزان خشونت خانگی در شهر تهران دارد؟ و اینکه عوامل یا متغیرهای زمینه‌ای موثر بر افزایش استفاده از خشونت خانگی کدامند و تا چه میزان موثرند؟

### ۳. اهداف پژوهش

- بررسی نقش فرهنگ صلح بر میزان خشونت خانگی در میان خانواده‌های شهر تهران
- شناخت انواع سطوح خشونت خانگی در میان خانواده‌های شهر تهران.
- بررسی رابطه‌ی بین گفتگو و مذاکره و میزان خشونت خانگی در بین خانواده‌های شهر تهران.

- بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و عدم سوء ظن و میزان خشونت خانگی در بین خانواده‌های شهر تهران.
- بررسی رابطه‌ی بین برابری جنسیتی و میزان خشونت خانگی در بین خانواده های شهر تهران.
- بررسی رابطه‌ی بین تحصیلات و میزان خشونت در بین خانواده های شهر تهران.
- بررسی رابطه‌ی بین شغل و میزان خشونت در بین خانواده های شهر تهران.

#### ۴. چهار چوب نظری

روشنفکران دانشگاهی، حوزه‌ای و سایر دانش پژوهان و نخبگان، طی فرآیند آموزش و نقد عناصر غیر سازنده و مخرب فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نظام ارزش‌ها، مبادرت به اصلاح فرهنگ با تولید و تقویت عناصر و ارزش‌های فرهنگ صلح (مؤلفه‌های فرهنگ صلح) می‌نمایند، و سپس توسط مراکز آموزشی (آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مراکز حوزه و تربیون‌های مذهبی) و رسانه‌ها (کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون، فیلم و سینما و تئاتر و ماهواره و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و غیره) نشر، آموزش و ترویج می‌گردد. با نشر و ترویج دانش صلح و گسترش ارزش‌های فرهنگ صلح (مؤلفه‌های فرهنگ صلح) به تدریج ذهنیت کنشگران نسبت به رواج عناصر غیر سازنده‌ی مرسوم گذشته هم چون استبداد و خشونت در جامعه و خانواده تغییر یافته، و جابه جایی، تغییر و تحول فرهنگ رخ می‌دهد، همانگونه که جابه جایی، تغییر و تکامل از اصلی‌ترین مفاهیم مورد استفاده در نظریه‌های تغییر فرهنگ، تکامل گرایان، در سنت انگلیسی و امریکایی است یا دارونیسیم اجتماعی است (آبراهامز؛ ۱۳۶۳: ۲۵۳). فرهنگ تحول یافته نوین با برخورداری از مؤلفه‌ها فرهنگ صلح «مبتنی بر ارزش‌های انسانی و صلح دوستی، اثر عمیق بر نظام‌های اجتماعی و شخصیتی جامعه بر جای می‌گذارد: این تأثیرات بر نظام کنش افراد مؤثر واقع می‌شوند و نظام‌های نوین اجتماعی و شخصیتی بر ساخته می‌گردد، که در چگونگی تعبیر افراد از استفاده و کاربرد خشونت نقش داشته و به کنشگران رویکردهای نوینی در رابطه با مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا ارائه می‌دهد. در این خصوص، نظریه یادگیری اجتماعی بندورا حاکی از این است که برای مثال اگر تاکنون در نظام اجتماعی، یادگیری اجتماعی بر پایه‌ی مشاهده و تجربه‌ی خشونت در دوران

کودکی در جامعه، مدرسه و خانواده صورت پذیرفته است و در نتیجه رفتار خشونت آمیز و استفاده از خشونت برای حل منازعات در ذهن نهادینه گردیده است، حالا با تأثیرات مؤلفه‌های فرهنگ صلح مثل نفی خشونت، بردباری و شکیبایی، درک و فهم متقابل، تحمل دیگری و احترام به حقوق همگان آموخته است، که با مذاکره می‌تواند توانایی حل منازعات را بتدریج کسب نماید. از این رو، کنشگران دیگر برای حل تنش‌ها و منازعات بجای کاربرد خشونت و زور، با اشاعه‌ی فرهنگ صلح می‌آموزند که باید رویکردها و مؤلفه‌های فرهنگ صلح را در ذهن خود نهادینه نمایند و در مواجهه با شرایط تنش‌زا از ظرفیت فرهنگ صلح برای حل منازعات استفاده نمایند. در نتیجه‌ی تحول فرهنگ و نهادینه شدن مؤلفه‌های فرهنگ صلح در اذهان کنشگران، به نظر می‌رسد استفاده و کاربرد خشونت برای حل منازعات کاهش خواهد یافت و کنشگران با برخورداری از مؤلفه‌های فرهنگ صلح به رویکردها و راهبردهای جدید برای حل منازعات دست یابند. در این خصوص، نظریه فرهنگی مالینوفسکی مؤید این امر است؛ از نظر او هدف کارکرد فرهنگی در ارضای سوانق و نیازهای اساسی اعضای جامعه قابل رؤیت است، زیرا گمان بر این است که نهادها در واکنش به نیازها شکل گرفته باشند. از نظر مالینوفسکی، هر کدام از عناصر سازنده‌ی یک فرهنگ بخشی از نیازهای اساسی انسان را بر آورده می‌کنند. نظریه‌ای علمی درباره‌ی فرهنگ، بالطبع مهارت‌ها و توانایی‌های تازه می‌تواند بر میزان استفاده و کاربرد خشونت در خانواده‌ها مؤثر باشد، و به تدریج بستر کاهش و نفی خشونت برای دستیابی به اهداف خانواده را در نزد اعضای خانواده فراهم نماید، زیرا خشونت و خشونت‌خانگی مانعی برای کارکرد و دستیابی به اهداف نهاد خانواده می‌باشد (آزاد ارمکی؛ ۱۳۹۳: ۱۴۱). همچنین، در این خصوص، نظریه الگوی ساختی و کارکردی پارسونز به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از نقش مثبت و مناسب فرهنگ صلح بر ساخت و کارکرد نهاد خانواده بدست آوریم.

الگوی سیستمی پارسونز (الگوی ساختی - کارکردی) (پارسونز، بیلز و شیلر) تقاضاها و قابلیت‌های لازم برای برآوردن آن‌ها را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

سازگاری: وقتی منابع بیرونی تمام می‌شود، گروه خانواده باید قادر به پیدا کردن منابع جدید باشد (اگر {خانواده‌ها} مشکل {خشونت یا خشونت‌خانگی} را احساس کنند، وقتی تکنیک‌ها(راهکارهای قدیمی و قوانین) منسوخ می‌شوند یا کارآیی خود را از دست می‌دهند، گروه (خانواده) باید تکنیک‌های جدیدی را ابداع نماید.) {ابداع فرهنگ صلح}.

دستیابی به هدف: وقتی بر سر راه هدف موانعی وجود داشته باشد (خشونت خانگی)، گروه (خانواده) باید قادر باشد آن‌ها را از سر راه بردارد. وقتی اعضاء مضطرب، ناکام یا پریشان حال می‌شوند، گروه (خانواده) باید قادر باشد آن‌ها را سروسامان دهد و منابعشان را بسیج نماید. (چتر حمایتی قوانین حمایت از خانواده و حقوق زنان و کودکان و سالمندان). یکپارچگی: وقتی بخشی از گروه (خانواده) بخش‌های (اعضای) دیگر را به نابودی تهدید می‌کند (مورد خشونت قرار می‌دهد)، گروه (خانواده) باید قادر به رسیدگی و حمایت از آن‌ها باشد و هماهنگشان سازد. گروه (خانواده) باید بین اعضای قوی و ضعیف، وارد و ناوارد، "فعال و منفعل" و از این قبیل، پیوندهای متفاوتی برقرار نماید. حفظ و تغییر الگو: گروه (خانواده) در برخورد با نیروهای مخالف باید قادر باشد رویه‌های متعارف خودش را حفظ نماید، احساسات و روابط عاطفی اعضایش را تقویت کند، قواعدش را اعمال نماید، باورهایش را تثبیت کند، بر ارزش‌هایش تأکید نماید و در پاسخ به ضرورت‌های داخلی و خارجی باید قادر باشد الگوهایش را تغییر دهد بدون این که آن‌ها را کنار بگذارد.

نظریه‌ی فوق از نظریه‌ی کلی اجتماعی پارسونز اشتقاق یافته است. اصولاً نظریه‌ی پارسونز به حدی کلی است که می‌تواند خود به نظریات خردتری منقسم شود. به علت اینکه نهاد خانواده کار ویژه‌ی خاصی را بر عهده دارد که عنصر اصلی تشکیل و تداوم حیات اجتماعی محسوب می‌گردد، از این رو اگر نتواند به وظیفه‌ی خاص خود به طور شایسته و مؤثر عمل نماید، و خشونت و خشونت خانگی بعنوان مانعی عمل کند که نتواند کارکردها و وظایف خود را به درستی و مناسب انجام دهد، در نتیجه کارکرد مناسب خود را از دست می‌دهد و کل نظام اجتماعی را دچار اختلال می‌نماید؛ لذا، پایداری و بقای خانواده دچار اضمحلال می‌شود و ثبات اجتماعی را با مخاطره روبرو می‌سازد. از این رو، به نظر می‌رسد وجود ارزش‌های جدید فرهنگ صلح در صورتی که نگرش دانشجویان نسبت به آن مثبت باشد می‌تواند بقای ساخت‌ها و سازمان‌های اجتماعی (در اینجا نهاد خانواده) را بهبود بخشیده و ضرورت وجودی خود را بدست آورد.

در این خصوص حسین بشریه در تحلیلی تاریخی، فرهنگ و نگرش گروه‌های حاکم در ایران را به دلایل تاریخی و روانشناختی، نگرش پاتریمو نیالیستی و سنتی (استبدادی) می‌داند که در آن ساخت قدرت رابطه‌ای عمودی و آمرانه و از بالا به پایین میان حکام و مردم بوده است. و هم چنین نگرش و ذهنیت پدر سالاری نیز طبق نظریه‌ی پدرسالاری،

این حق قدرت آمرانه را در خانواده به مردان می‌بخشد. به نظر می‌رسد این ذهنیت خود بستر مناسبی برای اعمال روابط عدم کفایت قدرت بین مردان و زنان در خانواده گردیده است و زنان از این نابرابری قدرت در روابط رنج می‌برند. حال اگر طبق مؤلفه‌های فرهنگ صلح رعایت حقوق همگان، برابری جنسیتی، عدالت و رفع تبعیض، نگرش حاکم در جامعه و خانواده باشد، بتدریج با نهادینه شدن فرهنگ صلح، این معضل، رفع خواهد گردید. لذا، با پذیرش برابری جنسیتی و احترام به حقوق مساوی همگان، کاربرد زور و خشونت در خانواده نفی و یا کاهش خواهد یافت.

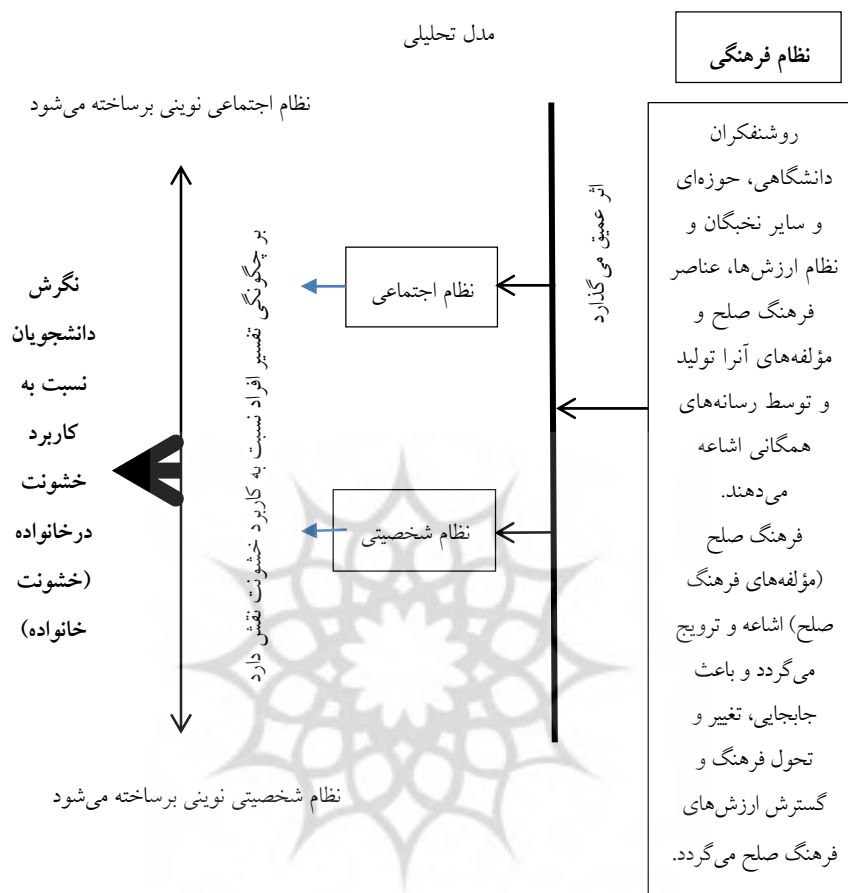
نتیجه‌ی دیگر تحول فرهنگ، که حاصل جابجایی فرهنگی صلح و تغییر تفکرات و نگرش ذهنیت استفاده و کاربرد خشونت برای حل منازعات در بین کنشگران اجتماعی است، تولید و خلق ارزش‌های جدید است، از این رو بر خورداری از ارزش‌های جدید فرهنگ صلح هرگونه تفکر استفاده از کاربرد خشونت برای حل منازعات در بین کنشگران اجتماعی را به شدت مورد تقبیح قرار می‌دهد و آنرا دارای قبح اجتماعی، اخلاقی و توسط عرف جامعه نهی و نکوهش می‌نماید. بدیهی است اگر فقدان قوانین حمایتگر از خانواده (حقوق کودک، سالمند و زنان) و عدم امکان نظارت دولت بر خشونت در خانواده منجر به امکان رخ دادن و استفاده از خشونت و رواج خشونت خانگی گردیده است، نهادینه شدن فرهنگ صلح و پذیرش ارزش‌های جدید آن به همراه تصویب قوانین بازدارنده از خشونت می‌تواند همراه با رعایت حقوق مساوی افراد، بتدریج بر چگونگی تفسیر افراد مبنی بر استفاده از خشونت تأثیر گذاشته و گامی بلند برای نفی یا کاهش خشونت قلمداد گردد.

فرهنگ صلح (مؤلفه‌های صلح) با ارائه‌ی راهبردهای نوین و ارتقاء شناخت و آگاهی دانشجویان از مفهوم فرهنگ صلح بر نظام تفکر دانشجویان تأثیر عمیق می‌گذارد تا آن جا که این تأثیر می‌تواند نظام کنش‌های فرد را تحت تأثیر قرار داده و در چگونگی تفسیر وی از کنش‌های متقابل محیط به مفهوم شناخت، ایفای نقش نماید. یعنی بر نوع نگرش افراد (دانشجویان) نسبت به تفسیر معانی نمادها و استفاده از خشونت تأثیر بگذارد. همانطور که بلومر نیز اشاره نموده است، انسانها که به فراخور موقعیت‌های زمانی و مکانی خود ... و یا به تعبیر خود بلومر، سامان اجتماعی که پراتیک اجتماعی شدن آنها در آن بر ساخته شده است، چشم‌اندازها و تحلیل‌های متفاوتی نسبت به اشیاء پیرامون خود دارند، اشیاء در نظام فکری بلومر فقط اجسام فیزیکی نیستند. هر آنچه قابل اشاره است، به مثابه عنصری از



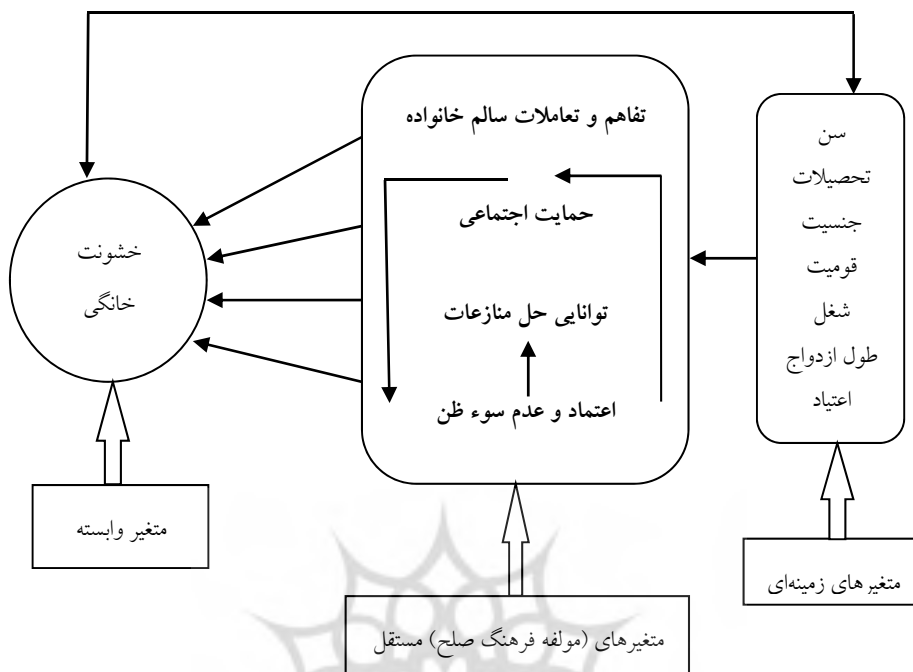
سامان اجتماعی دارای معنا است. پس، هر آنچه در هستی اجتماعی است، شی‌ای است که از سه شکل خارج نیست (فیزیکی، انتزاعی و اجتماعی) (تنهایی، ۱۳۸۸). پس، در زمان معاصر مورد نظر ما، نقش مولفه‌های فرهنگ صلح نیز به مثابه یک شی اجتماعی قابل اشاره و مطالعه است. یعنی اگر تلاش گردد در سامان اجتماعی شدن انسان‌ها، که انسان در آن بر ساخته می‌گردد، مولفه‌های فرهنگ صلح و دوستی حاکم باشد، می‌توان به چشم‌انداز ترویج، اشاعه و برساخته شدن فرهنگ صلح در جامعه و نقش آن در کنش‌های متقابل مسالمت‌آمیز در بین انسان‌ها امیدوار باشیم. اینها همه برساختی هستند: همه‌اش ساخته شده است و محصول کار ماست. اگر خشونت در خانواده‌ها وجود دارد، آن طبیعی نیست. این جهان اجتماعی را ما ساختیم، پس ما هم می‌توانیم تغییرش دهیم. البته نظریه‌ی کنش متقابل نمادین بلومر حاکی از این است که این نظریه بر خصوصیت شکل‌پذیر و پیش‌بینی‌ناشده‌ی روانه‌های اجتماعی و شیوه‌ی ساخته شدن دنیاهای نمادین توسط دارندگان فرهنگ تأکید می‌کند. در این نظریه، فرهنگ چون نماد و نشانه‌ی تعبیر شده است، محور اندیشه‌ی مکتب کنش متقابل نمادین شیوه‌ی مشاهده و فهم درونی کنشگران فرهنگ است.

خلاصه‌ی چهارچوب نظری بدین شرح است که اگر صلح نزد کنشگران به فرهنگ تبدیل شود و در ذهن آنان نهادینه شود و کنشگران متوجه شوند که از طریق ارزش‌های فرهنگ صلح، تساهل و مدارا، احترام به حقوق همگان، با اعتماد و عدم سوءظن و غیره، از طریق گفتگو و مذاکره می‌توانند به هدف‌های خود دست یابند، و یا اینکه با رعایت برابری جنسیتی و پذیرش قاعده‌ی برد-برد اگر پیش بروند، به احتمال زیاد می‌توانند در تعارضات خانوادگی نیز گفتگو و مدارا را غالب سازند، و تا حد زیادی مانع بروز خشونت، و نفی یا کاهش خشونت خانگی بشوند. البته باید توجه داشت که بر اساس نظریه‌ی برساخت‌گرایی، ذهنیت و کنش متقابل در موقعیت تعیین‌کننده است، و از این رو باید ذهنیت در زمان اجتماعی شدن به گونه‌ای شکل بگیرد که در آن صلح (مولفه‌های فرهنگ صلح) به فرهنگ مبدل شود و در بر ساخت واقعیت به صورت گفتگویی و تعاملی عمل نماید. لذا، به نظر می‌رسد جابه‌جایی، تغییر و تحول فرهنگ برای پرهیز از اعمال و کاربرد خشونت، استقرار صلح و حفظ آرامش در نهاد خانواده با توجه به افزایش آمار خشونت‌های خانگی، از نیازهای جامعه ایرانی به شمار می‌رود.



نمودار شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش بر اساس نظریه‌ی پارسونز

پرتال جامع علوم انسانی



نمودار شماره ۲. مدل مفهومی کل پژوهش

### ۵. فرضیه پژوهش

بین فرهنگ صلح و مولفه‌های آن از یک سوی و متغیرهای زمینه‌ای (تحصیلات، شغل، قومیت، نوع ازدواج، اعتیاد، طول مدت ازدواج و سن) از سوی دیگر به مثابه عوامل تاثیر گذار بر ابعاد خشونت خانگی (روحي- روانی، کلامی و...) در خانواده رابطه وجود دارند.

### ۶. مروری بر پژوهش‌های پیشین

حسین بشیریه استبداد و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم را از یکی از عوامل و موانع موثر رشد و توسعه یافتگی فرهنگ، دانسته و معتقد است که نگرش استبدادی گروه‌های حاکم به دلیل رابطه عمودی و آمرانه و از بالا به پایین حکام به مردم است وی فرهنگ سیاسی ایران را فرهنگ تابعیت و آمریت معرفی کرده است و ویژگی‌هایی مانند فرصت‌طلبی، فردگرایی منفی و ترس آلود، فقدان اعتماد و همکاری متقابل را از شاخص‌های مهم آن می‌داند (حسین بشیریه، ۱۳۷۵).

اعزازی، ویژگی پدر سالارانه ساختار اجتماعی و منابع کمیاب اجتماعی را که در اختیار مردان است را دلیل خشونت‌های خانگی عنوان می‌نماید و معتقد است این ویژگی پدر سالارانه‌ی ساختار اجتماعی است که خشونت مرد نسبت به زن را امری طبیعی می‌داند (اعزازی، ۱۳۷۵: 48-50).

مولاوردی (۱۳۷۸) مهمترین علل خشونت نسبت به زنان را مناسبات نابرابر میان زن و مرد و الگوهای فرهنگی نشات گرفته از سنت‌های غلط و عقاید قالبی متعصبان، رسانه‌های گروهی، استعمال بد مواد و الکل، عوامل موقعیتی و ویژگی‌های شخصیتی ذکر می‌کند (مولاوردی، ۱۳۷۸). مهرانگیز کار اعمال خشونت علیه زنان را حاصل فرهنگ پدر سالارانه و نابرابری‌ها و محدودیت‌های فرهنگی برای دختران و زنان عنوان می‌نماید که به نوعی تحمل خشونت نزد زنان را طبیعی و امر پذیرفته شده نشان می‌دهد (مهرانگیز کار، ۱۳۸۲). وی ۹۰ درصد قربانیان خشونت خانگی را زنان و تنها حدود ۱۰ درصد مردان می‌داند.

مارابی (۱۳۸۴) در بررسی عوامل موثر بر خشونت خانگی، پذیرش خشونت، نظام پدرسالارانه و نظریه یادگیری اجتماعی عنوان می‌نماید (مارابی، ۱۳۸۴).

و در پایان نوع تازه شناسایی شده از خشونت در ایران: ممانعت از رشد اجتماعی، فکری، و آموزشی است که در بررسی‌های کشورهای خارجی دیده نشده و یا گزارش نشده است.

در کشورهای خارجی از دهه هفتاد خشونت خانوادگی به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح و مورد پژوهش قرار گرفت به همین علت تحقیقات خارجی انجام شده درباره خشونت خانوادگی به ویژه خشونت همسران علیه زنان در خانواده فراوان است که هر چند هر پژوهشی به جنبه خاصی از این مسئله و از زاویه‌ای خاص به آن نگریسته است اما به طور کلی تمام ابعاد و جنبه‌های مختلف آن مورد پژوهش قرار گرفته است.

نتایج پژوهش‌های خارجی مبین این امر است که خشونت خانگی یک پدیده جهانی است و یافته مهم آن مطالعات این است که خشونت خانگی یک امر خصوصی نمی‌باشد لذا در صورت عدم مدیریت این پدیده قادر است هزینه‌های گزافی را به اجتماع تحمیل نماید.

## ۷. روش‌شناسی پژوهش

### ۱.۷ روش پژوهش

با توجه به نوع کار تحقیقاتی و ماهیت موضوع که بررسی ساخت‌های نظری در بافت و موقعیت عملی و واقعی است (کاربردی). از نظر هدف، تحقیق فوق قیاسی (آزمون گذاشتن فرضیه‌ها) است. نوع روش تحقیق از نظر مسیر، از نوع توصیفی - پیمایش هدایت شده - است. روش پیمایش بطور عمده به مطالعه‌ی توصیفی وضع موجود می‌پردازد. و پیمایش هدایت شده معمولاً از طریق نمونه‌گیری برای استخراج و جمع‌آوری اطلاعات بر اساس واقعیت‌های عینی و ذهنی استفاده می‌شود (میرزائی، ۱۳۸۸: ۹۵).

### ۲.۷ جامعه، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش جامعه‌ی تحقیق، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در نظر گرفته شده است که بر اساس اطلاعات از معاونت آموزشی دانشگاه (اسامی دانشجویان تمام وقت آن) ۱۲۸۲۰ نفر دانشجو را شامل می‌شود. حجم نمونه‌ی این تحقیق با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه یامانی:  $n = \frac{N}{1+N(e)^2}$  (۸۸۶:۱۹۶۷، برگرفته از میرزائی، ۱۳۸۸: ۱۷۵). با ضریب اطمینان ۰/۹۵ و با سطح دقت ۰/۰۵ به تعداد ۳۸۸ نفر برآورد شده است که برای اطمینان بیشتر این مقدار به ۴۰۰ نفر افزایش یافت.

در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد. که ریز اختصاص نمونه‌ها به طبقه‌های گوناگون در جدول شماره ۱ آورده می‌شود.

جدول شماره ۱. طبقه‌بندی نمونه دانشجویان تهرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن  
بر اساس دانشکده‌ها در سال تحصیلی ۹۶-۹۵

نام دانشکده	تعداد دانشجویان دانشکده	درصد	سهمیه
ادبیات فارسی و زبان‌های خارجه	۶۳۷	۵	۲۰
دانشکده علوم تربیتی و مشاوره	۲۶۹۰	۲۱	۸۴
فنی و مهندسی	۳۴۲۷	۲۶۷	۱۰۷
دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی	۲۳۸۳	۱۸/۶	۷۴

۱	۰/۲	۲۳	دانشکده گروه کاردانی پیوسته
۸۸	۲۲/۱	۲۸۳۴	دانشکده معماری
۲۶	۶/۴	۸۲۶	دانشکده کشاورزی
۴۰۰	۱۰۰	۱۲۸۲۰	جمع کل

### ۳.۷ ابزار پژوهش

پرسشنامه‌ی پژوهش پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته است که از سه قسمت تشکیل شده است. قسمت اول متغیرهای زمینه‌ای در بر گیرنده 20 سوال، قسمت دوم راجع به فرهنگ صلح شامل 25 سوال و قسمت سوم راجع به خشونت خانگی شامل 33 سوال از نوع طیف لیکرت 5گزینه‌ای بود. در کل از پرسشنامه‌ی 78 گویه‌ای برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شد که به تفکیک متغیر، مولفه و شاخص در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲. پرسشنامه به تفکیک مولفه‌ها و شاخص‌های آن

متغیر	مولفه‌ها	شاخص‌ها
فرهنگ صلح	تفاهم و تعاملات سالم خانواده	ذهنیت مرد سالاری، طبقه، درآمد، شغل، تحصیلات، رابطه دوستانه، برابری جنسیتی، صبر و شکیبایی، احترام به حقوق یکدیگر، گفتگو و مذاکره، آزادی ابراز عقاید، همکاری و مشارکت، استقلال و آزادی، احترام به عقاید، خانواده
	حمایت اجتماعی	حمایت و پشتیبانی، حمایت از حقوق زنان، کودکان و سالمندان،
	توانایی حل منازعات	تساهل و مدارا، توانایی حل منازعات و اختلافات،
	عدم سوءظن	انصاف، عدالت، عفو و گذشت، سوءظن، اعتماد و عدم اعتماد،
	خشونت فرهنگی	محدودیت در تماسهای تلفنی رفت و آمد، ممانعت از اشتغال، ایجاد محدودیت در ادامه تحصیل، ایجاد محدودیت در ارتباط فامیلی، دوستانه و اجتماعی،
خشونت روانی	خشونت روحی - روانی	تهدید به ترک خانه و تهدید به اقدام به خودکشی، تهدید به ترک خانه و تهدید به ازدواج مجدد، متهم کردن همسر به ارتباب با دیگران، اجبار به کارهای خلاف عرف، شرع و قانون، تهدید و شکایت به پلیس، جلوگیری از نگهداری فرزندان، ازدواج مجدد، امتناع از طلاق دادن
	خشونت کلامی	کلمات رکیک و دشنام، تحقیر و تمسخر، سکوت آزار دهنده، منت نهادن مداوم بر همسر و سرکوفت‌های روانی بی در پی
	خشونت اقتصادی	اجبار برای فروش اموال همسر، ندادن خرجی خانه و پول کافی و ایجاد مضيقه مالی
	خشونت فیزیکی	محروم کردن همسر از غذا، کشیدن یا هل دادن، کتک خوردن، زدن همسر با مشت و لگد یا سیلی، اخراج همسر از خانه، عدم مراعات بهداشت ناشویی، مجبور به سقط جنین، مجبور به حاملگی ناخواسته، محکم کوبیدن در، بهم زدن سفره

### ۱.۳.۷ اعتبار و پایایی ابزار

اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا مشخص شده است. مقدار متوسط CVR (اعتبار محتوا) برابر با ۰/۷۳۷ به دلت آمد که نشانگر احراز اعتبار محتوا می‌باشد. همچنین، پایایی ابزار پژوهش از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شد که ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس فرهنگ صلح ۰/۹۲۷ و برای مقیاس خشونت خانگی ۰/۹۳۲ بود که حاکی از پایایی بالای ابزار است.

### ۲.۳.۷ نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای توصیف داده‌ها از جداول میانگین و انحراف معیار، و برای پاسخ به فرضیه‌های پژوهش، با نرم‌افزار Lisrel استفاده شد.

## ۸. یافته‌ها و نتایج پژوهش بین متغیرها

### ۱.۸ یافته‌های توصیفی

#### ۱.۱.۸ توصیف خشونت خانگی و عوامل آن

جدول شماره ۳. توصیف خشونت خانگی و عوامل آن

درصد	انحراف استاندارد	میانگین	خشونت خانگی
	.92	1.78	خشونت فرهنگی
	1.02	2.15	خشونت روحی - روانی و
	.94	1.93	خشونت کلامی
	.98	1.72	خشونت اقتصادی
	.91	1.66	خشونت فیزیکی
.۳۶.۹۶	.69	1.84	کل

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ میانگین خشونت خانگی و عوامل آن در والدین دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن از ۱/۶۶ برای خشونت فیزیکی تا ۲/۱۵ برای خشونت روحی - روانی بود. این یافته بیانگر این است که، میانگین خشونت خانگی و عوامل آن در والدین دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن کمتر از حد متوسط بود ( ۰/۳۶.۹۶ . میزان میانگین

تجربه خشونت خانگی در بین والدین دانشجویان تهرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن).

## ۲.۱.۸ توصیف فرهنگ صلح و مولفه‌های آن

جدول شماره ۴: توصیف فرهنگ صلح و مولفه‌های آن

فرهنگ صلح و مولفه‌های آن	میانگین	انحراف استاندارد
تفاهم و تعاملات سالم خانواده	3.63	.70
حمایت اجتماعی	3.55	.76
توانایی حل منازعات	3.58	.89
عدم سوء ظن	3.58	.74
کل	3.59	.65

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی ۴ و نمودار شماره‌ی ۵، میانگین فرهنگ صلح و مولفه‌های آن در والدین دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن از ۳/۵۵ برای حمایت اجتماعی تا ۳/۶۳ برای تفاهم و تعاملات سالم خانواده بود. این یافته بیانگر این است که، میانگین فرهنگ صلح و مولفه‌های آن در والدین دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن بیشتر از حد متوسط بود.

## ۲.۸ یافته‌های بخش استنباطی

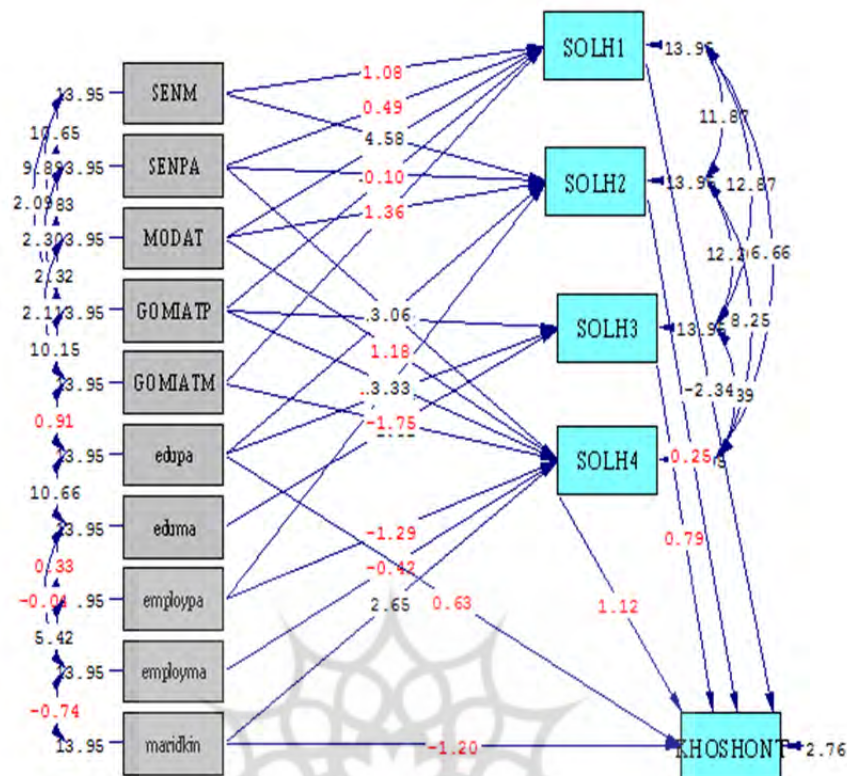
با توجه به اینکه، مؤلفه‌های فرهنگ صلح به عنوان نقش میانجی بین متغیرهای مستقل دموگرافیک و متغیر وابسته خشونت در نظر گرفته شده است در واقع یک مدل مفهومی تحلیل مسیر مد نظر است. برای پاسخ از تحلیل مسیر (path analysis) و نرم‌افزار LISREL نسخه ۸/۷ استفاده شد. مدل با استفاده از ترسیم روابط بین متغیرهای اندازه‌گیری شده تدوین شد. سپس شاخص‌های برازندگی مدل مورد محاسبه و ارزیابی قرار گرفت. شاخص‌های برازندگی (Fit index) از قبیل مجذور کای نرم شده ( $\chi^2/df$ )، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل شده برازندگی (AGFI) و RMSEA مورد استفاده قرار گرفت. نتایج بدست آمده برای شاخص‌ها در جدول زیر نشان داده شده است.



جدول شماره ۵. شاخص‌های برازندگی مدل

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	$\chi^2/df$	Df	$\chi^2$	شاخص‌های برازندگی
۰/۹۷	۰/۸۷	۰/۹۷	۰/۰۷۸	۲/۱۱	۲۴	۵۰/۷۱	مقادیر شاخص‌ها

بر اساس جدول شماره ۵: شاخص‌های برازندگی مورد بررسی نشان داد، مجذور کای نرم شده برای مدل در این پژوهش ۲/۱۱ بود که بیان کننده برازندگی قابل قبول مدل با داده است. شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) بالاتر از ۰/۹ و شاخص برازندگی (GFI) برابر ۰/۹۷ و شاخص تعدیل شده برازندگی (AGFI) نیز ۰/۸۷ و همچنین RMSEA برابر با ۰/۰۷۸ بود که بر اساس مقادیر بدست آمده می‌توان گفت مدل بدست آمده برازش مناسبی با داده‌ها دارد. ولی همچنان که، ضرایب در مدل زیر نشان می‌دهد بعضی از ضرایب معنادار هستند. مدل به انضمام ضرایب مسیر t به شکل زیر بود.



Chi-Square=50.71, df=24, P-value=0.06000, RMSEA=0.078

نمودار شماره ۳. مدل به انضمام مقادیر  $t$  برای معناداری ضرایب مسیر

با توجه به نمودار شماره ۳ می توان گفت:

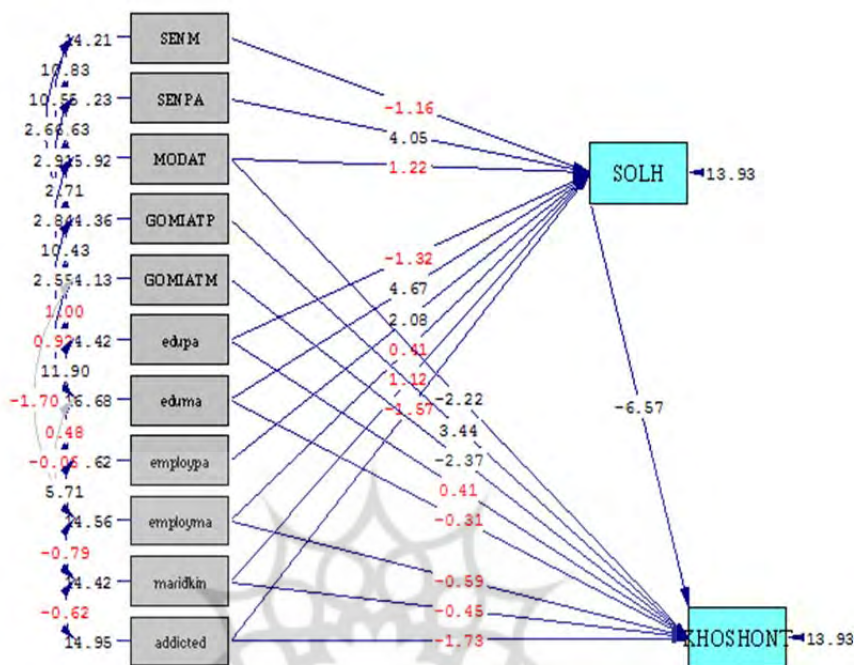
۱. از مولفه های فرهنگ صلح فقط تفاهم و تعاملات سالم خانواده برخشونت خانگی اثر منفی و معنادار داشت ( $t = -2/34, P < 0/05$ )، مقدار  $t$  برای ضریب مسیر بزرگتر از ۲ بود.
۲. از ویژگی های دموگرافیک، سن مادر بر حمایت اجتماعی از مولفه های فرهنگ صلح اثر مثبت و معنادار داشت ( $t = 4/58, P < 0/05$ )، مقدار  $t$  برای ضریب مسیر بزرگتر از ۲ بود. یعنی هرچه سن مادر بیشتر باشد احساس حمایت و پشتیبانی بیشتری می کند.
۳. از ویژگی های دموگرافیک قومیت پدر بر توانایی حل منازعات از مولفه های فرهنگ صلح اثر مثبت و معنادار داشت ( $t = 3/06, P < 0/05$ ). این یافته دلالت بر این دارد که، مازنی و گیلک توانایی حل منازعات بیشتری دارند.

۴. از ویژگی‌های دموگرافیک نوع ازدواج بر عدم سوء ظن از مولفه‌های فرهنگ صلح اثر مثبت و معنادار داشت ( $P < ۰/۰۵$ ،  $t = ۲/۶۵$ ). این یافته دلالت بر این دارد که، ازدواج‌های سنتی سوء ظن بیشتری دارند.
۵. ضرایب در بقیه مسیرها معنادار نبود.

جدول شماره ۶. شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص‌های برازندگی	$\chi^2$	df	$\chi^2/df$	RMSEA	GFI	AGFI	CFI
مقادیر شاخص‌ها	۶۲/۸۱	۴۲	۱/۴۹	۰/۰۴۷	۰/۸۹	۰/۸۴	۰/۹۱

بر اساس جدول شماره ۶: شاخص‌های برازندگی مورد بررسی نشان داد، مجذور کای نرم شده برای مدل در این پژوهش ۱/۴۹ بود که بیان‌کننده برازندگی قابل قبول مدل با داده است. شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) بالاتر از ۰/۹ و شاخص برازندگی (GFI) برابر ۰/۸۹ و شاخص تعدیل شده برازندگی (AGFI) نیز ۰/۸۴ و همچنین RMSEA برابر با ۰/۰۴۷ بود که بر اساس مقادیر بدست آمده می‌توان گفت مدل بدست آمده برازش مناسبی با داده‌ها دارد. ولی همچنان که، ضرایب در مدل زیر نشان می‌دهد بعضی از ضرایب معنادار هستند. مدل به انضمام ضرایب مسیر  $t$  به شکل زیر بود.



Chi-Square=62.81, df=42, P-value=0.09000, RMSEA=0.047

نمودار شماره ۴: مدل به انضمام مقادیر t برای معناداری ضرایب مسیر

با توجه به نمودار ۴ می توان گفت:

۱. فرهنگ صلح برخشونت خانگی اثر منفی و معنادار داشت ( $t = -6/57, P < 0/05$ )، مقدار t برای ضریب مسیر بزرگتر از ۲ بود.
۲. از ویژگی‌های دموگرافیک، سن پدر بر فرهنگ صلح اثر مثبت و معنادار داشت ( $0/05 < P < 4/0, t = 4/0$ )، مقدار t برای ضریب مسیر بزرگتر از ۲ بود. یعنی هرچه سن پدر بیشتر باشد فرهنگ صلح او بیشتر می شود.
۳. از ویژگی‌های دموگرافیک سواد پدر و مادر بر فرهنگ صلح اثر مثبت و معنادار داشت

۴.  $(P < 0/05, t = 2/08, t = 4/67)$ . این یافته دلالت بر این دارد که، پدر و مادر آن با سوادتر فرهنگ صلح بیشتری دارند.
۵. از ویژگی‌های دموگرافیک مدت ازدواج و قومیت پدر و مادر بر خشونت خانگی اثر مستقیم و معنادار داشت ( $t > 2$ ) مدت ازدواج بر خشونت خانگی اثر مثبت داشت. هر چه مدت ازدواج بیشتر، خشونت کمتر می‌شود.
۶. ضرایب در بقیه مسیرها معنادار نبود.

## ۹. نتیجه‌گیری

مقیاس فرهنگ صلح یک سازه چهار عاملی به نام‌های تفاهم و تعاملات سالم خانواده، حمایت اجتماعی، توانایی حل منازعات و عدم سوء ظن بود. نتایج پژوهش‌های انحصاری، ۱۳۸۴؛ برون‌تایلر (۱۸۳۲-۱۹۱۷) نیز فرهنگ صلح را یک سازه چند عاملی می‌داند.

- از پرسشنامه خشونت خانگی ۵ عامل؛ خشونت فرهنگی، خشونت روحی - روانی، خشونت کلامی، خشونت اقتصادی و خشونت فیزیکی استخراج شد. نتیجه این پژوهش با پژوهش‌های اعزازی، ۱۳۸۰؛ پناهی، ۱۳۸۰؛ رفیعی‌فر، ۱۳۷۸؛ رونالد بلک برن، ۱۹۹۶؛ قاضی طباطبایی، محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۸۳ با ابعاد یا عوامل استخراج شده خشونت خانگی همخوانی داشت.

- اثر وابستگی والدین به مشروبات الکلی و مواد مخدر، شغل پدر و قومیت پدر و مادر، طول ازدواج، سن پدر و سن مادر بر میزان خشونت معنادار بود. برای آزمون «نقش متغیرهای زمینه‌ای (تحصیلات، شغل، قومیت، نوع ازدواج، اعتیاد، طول مدت ازدواج، سن) بر میزان خشونت خانگی در بین خانواده‌ها». نوع ازدواج، تحصیلات پدر و مادر و شغل مادر بر میزان خشونت اثر معنادار نداشت. ولی اثر وابستگی پدر یا مادر به مشروبات الکلی و مواد مخدر، شغل پدر و قومیت پدر و مادر، طول مدت ازدواج، سن پدر و سن مادر بر میزان خشونت معنادار بود. رابطه‌ی طول مدت ازدواج، سن پدر و سن مادر با خشونت منفی و معنادار بود. در واقع والدین وقتی جوانترند بیشتر خشونت در خانواده دیده می‌شود. پدرانی که شغل استخدام رسمی داشتند خشونت بیشتر و پدران بازنشسته خشونت کمتری اعمال می‌کردند. در خانواده‌هایی که پدر آذری بود خشونت بیشتر و وقتی پدر کرد بود خشونت کمتر

بود. در خانواده‌هایی که مادر آذری بود خشونت بیشتر و وقتی مادر فارس بود خشونت کمتر بود. نتایج الهووردیان (۱۳۸۴)، دابیل و استراوس (۱۹۸۰)، ملیحه مرعشی (۱۳۸۳)، کلاتری و حمیدیان (۱۳۸۷)، قاضی طباطبایی، محسنی تبریزی و دیگران (۱۳۸۲)، منیژه شهنی بیلاق (۱۳۷۶) با این پژوهش همسو بود. نظریه‌ی پیترسی، نظریه منابع و نظریه فمینیست‌ها به بررسی شغل برای تبیین مسأله خشونت پرداخته‌اند. در این پژوهش نیز شغل را به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر خشونت علیه زنان مورد بررسی قرار داده‌ایم. نتایج این تحقیق نشان داد که خشونت علیه زنان در بین زنانی که همسرشان شغل اداری دارد در مقایسه با بقیه به مراتب بیشتر است. نتیجه بدست آمده در راستای تحقیقات دابیل و استراوس (۱۹۸۰)، محسن مارابی (۱۳۸۴)، دولتیان و همکاران (۱۳۸۷)، رافائل و تولمن (۱۹۹۷)، ماریا روی (۲۰۰۱) و ارجمند (۱۳۸۹) قرار دارد. همچنین خشونت علیه زنان در بین زنانی که همسرشان معتاد است بیشتر است. این نتیجه در راستای تحقیقات استیکلی و دیگران (۲۰۰۸)، ارجمند (۱۳۸۹)، نازپرور (۱۳۷۶) و تحقیق بگریزایی (۱۳۸۲) قرار می‌گیرد. نظریه‌ی پیترسی اذعان می‌دارد که از عوامل اثرگذار بر خشونت خانگی صفات فردی می‌باشد (رفیع پور، ۱۳۷۸). از جمله این صفات فردی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت سن پاسخگویان می‌باشد که در این راستا نتایج آزمون فرضیات نشان داد که با افزایش میزان سن پاسخگویان، میزان خشونت خانگی کاهش می‌یابد و بالعکس، نتیجه بدست آمده در راستای تحقیقات مک کلی و همکاران (۱۹۹۵) و محسن مارابی (۱۳۸۴) قرار می‌گیرد. در خصوص مدت زمان سپری شده از ازدواج زوجین، همان طور که در بخش آزمون فرضیات دیدیم با افزایش میزان مدت زمان سپری شده از ازدواج زوجین، میزان خشونت خانگی کاهش می‌یابد. نتیجه بدست آمده از آزمون این فرضیه در راستای نتایج پژوهش‌های منیژه شهنی بیلاق (۱۳۷۶)، ماریا روی (۲۰۰۱)، قاضی طباطبایی، محسنی تبریزی و دیگران (۱۳۸۲) قرار می‌گیرد. همچنین نتیجه تحلیل مسیر، اثر ویژگی‌های دموگرافیک از طریق فرهنگ صلح و مولفه‌های آن بر خشونت در خانواده نیز نشان داد که فرهنگ صلح و مولفه‌های آن بر خشونت خانگی اثر منفی و معنادار داشت، نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های کندی (۱۹۹۹)، ناجی (۱۳۸۷)، انصاری (۱۳۸۴)، خانیکی (۱۳۸۴)، زنگنه (۱۳۸۰)، اعظم زاده و دهقان فرد (۱۳۸۵)، ماریا

روی (۲۰۰۱) و همچنین پژوهش‌های تانگ (۲۰۰۳) و جارکو (۲۰۰۴) همسو بود.

- رابطه بین فرهنگ صلح و مولفه‌های آن با خشونت خانگی معنادار بود در واقع اگر مولفه‌های فرهنگ صلح (تفاهم و تعاملات سالم خانواده، حمایت اجتماعی، توانایی حل منازعات و عدم سوء ظن) در خانواده بیشتر باشد، خشونت خانگی کمتر می‌شود. برای آزمون نقش مولفه‌های فرهنگ صلح بر خشونت خانگی از تحلیل ساختاری مسیر استفاده شد. توانایی حل منازعات، عدم سوء ظن، تفاهم و تعاملات سالم خانواده وارد معادله شد که، رابطه این سه مؤلفه با خشونت فرهنگی ۰/۴۰۵ بود. در واقع میزان اثر این سه مؤلفه بر خشونت فرهنگی ۱۶/۴۰ درصد بود. نتایج این پژوهش اثر مولفه‌های فرهنگ صلح بر خشونت خانگی در خانواده را منفی و معنادار نشان داد. نتایج پژوهش‌های علی وردی‌نیا، اسفندیاری وراحی (۱۳۸۹)، سعید ناجی (۱۳۹۲)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۳) و جارکو (۲۰۰۴) با این پژوهش همسو بود.

محور این پژوهش براساس این تفکر است که، کاربرد خشونت را نباید بعنوان یک خصوصیت انسانی و یک واقعیت اجتماعی در گزینه انسانی مطرح و عنوان نمود، بلکه نتایج مطالعات انسان شناسان معاصر به گفته مار گارت می‌د تاکید می‌نماید که کاربرد خشونت تنها یک ابداع فرهنگی است که انسان‌ها در اجتماع آموخته‌اند. یعنی به نظر می‌رسد کمیابی بعضی منابع عاملی بوده است که انسان‌ها با ابداع خشونت، برای دستیابی به هدف خود مبادرت به آن نموده‌اند از این رو کاربرد خشونت یک پدیده فطری و طبیعی نیست، بلکه یک برساخته‌ی فرهنگی و اجتماعی است یعنی برساخته شدن آن توسط سازمان اجتماعی و خود کنشگران. در تایید نقطه نظرات مارگارت می‌د، سینیسا مالسویچ (sinisa malesevic)، در کتاب جامعه شناسی خشونت و قساوت سازمان یافته تاکید می‌نماید، که خشونت الزاما پدیده‌ای بیولوژیک نمی‌باشد، بلکه آن محصول روابط اجتماعی است (سینیسا مالسویچ، ۲۰۱۷:۱۷۳). بعبارت دیگر همانگونه که برگر و لاکمن گفته‌اند هیچگونه ذات یا سرشت انسانی به مفهوم بنیاد جوهری از لحاظ زیستی ثابتی که تغییر پذیری شکل‌بندی‌های اجتماعی و فرهنگی را تعیین کند وجود ندارد لذا اگر خشونت یک برساخته‌ی اجتماعی و ابداعی فرهنگی از سوی انسان‌ها است پس می‌توان با باز تعریف دوباره و حذف عناصر مخرب و منفی این ابداع فرهنگی (کاربرد خشونت) با تغییر و

جابجایی، مولفه‌های فرهنگ صلح را به جای خشونت و جنگ جایگزین نموده و به تحولی فرهنگی دست یافت، تا مفهوم صلح و مولفه‌های آن نزد کنشگران به فرهنگ تبدیل شود و در ذهن آنان نهادینه گردد. به شکلی که کنشگران با مواجهه شرایط تنش‌زا بجای تفکر استفاده و کار برد خشونت، مکانیزم‌های جانشین یا بدیلی هم چون تساهل و مدارا، تحمل، درک و فهم متقابل، دگر پذیری، احترام به حقوق همگان، گفتگو و مذاکره و توانایی حل منازعات و غیره، بعنوان رویکرد نوینی برای نفی و یا کاهش خشونت و جنگ پیش روی انسان‌ها قرار گیرد. چون همانگونه که بلومر می‌گوید نظریه کنش متقابل نمادین بر این مسئله متمرکز شده است که مردم چه معنایی را برای کنش متقابل با دیگران یافته‌اند.

البته باید توجه داشت که بر اساس نظریه برساختگرایی ذهنیت و کنش متقابل در موقعیت تعیین کننده است و از این رو باید ذهنیت در زمان اجتماعی شدن به گونه‌ای شکل بگیرد و برساخته شود که در آن صلح به فرهنگ مبدل گردد و در برساخت واقعیت به صورت گفتگویی و تعاملی عمل نماید.

## کتاب‌نامه

- آبراهامز، جی، اچ (۱۳۶۳). مراحل و مبانی رشد جامعه‌شناسی. ترجمه حسن پویان چاپ اول، تهران. اعزازی، شهلا (۱۳۷۷). خشونت خانگی بازتاب ساختار جامعه. نشریه زنان. شماره ۵۰. اسفند ۱۳۷۷
- پارسونز، تالکوت (۱۳۸۲). جامعه سنتی و جامعه مدرن. ترجمه منصور انصاری. تهران: انتشارات سمت. برگر، پیتر و لاکمن، توماس (۱۳۷۵). ساخت واقعیت اجتماعی. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تنهایی، حسین (۱۳۹۳). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. چاپ هفتم. مشهد/تهران: نشر مرندیز و بهمن برنا.
- فتحی، شهین (۱۳۸۷). بررسی نگرش زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر کرمانشاه نسبت به خشونت خانگی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۷. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- قاضی طباطبایی، محمود، تبریزی، محسن و دیگران (۱۳۸۳). بررسی پدیده خشونت خانگی در ۲۸ مرکز استان کشور طرح ملی.
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۰). خشونت علیه زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران.
- ماری، محسن (۱۳۸۴). بررسی عوامل خانوادگی موثر بر خشونت علیه زنان در استان کردستان: مطالعه موردی شهرستان کامیاران، پایان نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده علوم اجتماعی.



نقش فرهنگ صلح و متغیرهای مربوط به آزمودنی ... ۷۱

مولاوردی، شهین دخت (۱۳۷۸). علل و ریشه‌های خشونت علیه زنان. مجله حقوق زنان، سال سوم، شماره دهم.

میرزایی، خلیل (۱۳۸۸). پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.  
یونسکو (۱۳۷۶). فرهنگ و توسعه: رهیافت مردم شناختی توسعه. ترجمه نعمت اله فاضلی و محمد فاضلی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

Denzin, N. K., & Y. S. Lincoln (eds.) (2005) The Sage Handbook of Qualitative Research (3<sup>rd</sup> ed.) Thousand Oaks, CA: Sage.

Malesevic, Sinisa, (2017). The Rise of Organized Brutality, Cambridge University Pr Singh, Shweta. Education for Peace: Kaleidoscopic Musings.

UNESCO (2007). Philosophy, A School of Freedom, Paris: UNESCO.

UNESCO (2013). Education for a Culture of Peace in a Gender Perspective. Paris: UNESCO.

United Nations General Assembly (2000), United Nations Year of Dialogue among Civilizations, [www.un.org/A/RES/55/23.pdf](http://www.un.org/A/RES/55/23.pdf)

